

موقعیت اجتماعی (Social Status): به جایگاهی فرد در جامعه یا در یک گروه دارد؛ موقعیت اجتماعی، می گویند.

نکاتی مهم راجع به موقعیت اجتماعی:

الف) ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، اطلاعات مفیدی درباره او بدست می آوریم. مانداینکه: با چه کسانی در ارتباط است. چه انتظاراتی باید از او داشته باشیم. چگونه با او رفتار کنیم. بعنوان مثال: شما وقتی مطلع می شوید یکی از همکلاسی هایتان؛ عضو شورای مدرسه یا عضو یک خانواده شهید است. رفتار و انتظارات خود را از او تغییر می دهید و با او محترمانه تر رفتار می کنید.

ب) هر گونه تغییر در موقعیت اجتماعی فرد؛ با کسب هویت اجتماعی جدید برای او همراه است. یعنی، تغییر موقعیت اجتماعی و کسب هویت جدید؛ همزاد و همراه یکدیگرند. بعنوان مثال: (دانش آموزی که در یک دانشگاه معتبر قبول می شود، همزمان؛ ضمن تغییر موقعیت اجتماعی؛ هویت جدیدی نیز بدست می آورد).

ج) موقعیت و هویت اجتماعی افراد در بدو تولد، انتسابی است. یعنی خودشان در بدست آوردن آن نقشی ندارند. اما با گذر زمان با تلاش و برخورد فعالانه با محیط اجتماعی خود، از موقعیت و هویت اكتسابی جدیدی نیز برخوردار می شوند.. مثال: فردی که در یک خانواده فقیر متولد می شود و بعدها با تلاش خود شاگرد ممتاز مدرسه می شود. او با کسب این موقعیت اجتماعی جدید (شاگرد ممتاز مدرسه) از هویت اجتماعی جدیدی نیز برخوردار می شود.

تحرك اجتماعی: (Social Mobility): جابجایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را، تحرك اجتماعی می گویند.

انواع تحرك اجتماعی:

✓ **تحرك اجتماعی صعودی (Upward Mobility):** تحرك اجتماعی فرد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی بالاتر از آن؛ تحرك صعودی نامیده می شود. مثال: وقتی کارمند عادی یک اداره، مدیر اداره می شود. / وقتی مدیر یک بخش اداره، مدیر کل اداره می شود. / وقتی یک دانش آموز، دانشجو می شود/ و

✓ **تحرك اجتماعی نزولی (Downward Mobility):** تحرك اجتماعی فرد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی پایین تر از آن؛ تحرك اجتماعی نزولی نامیده می شود. مثال: وقتی مدیر یک اداره از مدیریت عزل شده و کارمند معمولی می شود./ وقتی مدیر کل یک اداره، از مدیریت کلی عزل می شود و مدیر یک بخش اداره می شود./ وقتی یک بازیکن فوتبال از یک تیم مشهور به یک تیم معمولی می رود./ و

✓ **تحرك افقی (Horizontal Mobility):** تحرك اجتماعی فرد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی مشابه آن. به گونه ای که جایگاه او؛ عملاً تغییری نکند؛ تحرك اجتماعی افقی نامیده می شود.. مثال: کارمندی که از یک

بخش اداره به بخش دیگر اداره با همان حقوق و مزایا منتقل می شود. / وقتی مدیر کل یک اداره ، مدیر کل اداره دیگری می شود. / وقتی یک بازیکن فوتبال از یک تیم مشهور به تیم مشهور دیگری می رود.

نکته : تحرک اجتماعی افقی، همیشه به معنای درجا زدن نیست. بلکه گاهی اوقات همین تحرک افقی، به نوعی نگهداشت و حفظ تحرک اجتماعی صعودی است. مثال : مربی یک تیم فوتبال مشهور که در تیم مشهور دیگری، مشغول به کار می شود/ استاندار یک استان که در استان مشابه دیگری استاندار می شود.

نکته : تحرک صعودی و نزولی شیب های مختلفی می توانند داشته باشند(شیب تند/ ملایم/ کند) مثال: وقتی یک شهروند عادی، نماینده مجلس می شود. تحرک اجتماعی صعودی او شیب بسیار تندی دارد. / اما وقتی استاندار یک استان، نماینده مجلس می شود، تحرک صعودی او شیب ملایمی دارد. در مورد تحرک نزولی نیز وضعیت به همین ترتیب است.

نکته : موقعیت اجتماعی افراد فقط تابع شغل آنها نیست. بلکه به عوامل دیگری مانند: علم ، تقوی، هنر، احترام اجتماعی و ... نیز بستگی دارد. مثال : پیرمرد بیسوادی که مسجد بان مسجد محله هست، ممکن است بدلیل با تقوی بودن، موقعیت اجتماعی بالایی نزد مردم داشته باشد. (البته در جوامعی که تقوی، یک ارزش اجتماعی است).

انسداد اجتماعی (Social Obstruction): مسدود بودن (بسته بودن) راه ارتقاء و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی، می گویند.

انسداد اجتماعی در چه جوامعی وجود دارد ؟

انسداد اجتماعی، بیشتر در جوامعی وجود دارد که موقعیت اجتماعی افراد بر اساس ویژگی های انتسابی مانند: وراثت یا نژاد جنسیت و تعیین می شود. مثال : در گذشته در برخی جوامعی مبتنی بر تبعیض نژادی، امکان تحرک اجتماعی برای سیاه پوستان وجود نداشت. (انسداد اجتماعی مبتنی بر نژاد) / در گذشته در اکثر جوامع، امکان تحرک اجتماعی صعودی برای زنان وجود نداشت. (انسداد اجتماعی مبتنی بر جنسیت)

البته در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی های اکتسابی نیز هستند. شرایط به گونه ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی صعودی برای محرومان جامعه، مسدود است. (در جوامعی که رده بندی موقعیت های اجتماعی بر اساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه هستند). (در جوامعی که ثروت یک ارزش اجتماعی مهم محسوب می شود. معمولاً راه ارتقاء و تحرک صعودی برای محرومان و فقرا مسدود می باشد) (انسداد اجتماعی مبتنی بر محرومیت و فقر اقتصادی).

گروه آموزشی عصر

تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی www.my-dars.ir

✓ تحرک اجتماعی درون نسلی (Intra-generational) تحرک اجتماعی فرد در درون نسل خود. (تحرک اجتماعی فرد در طول زندگی خود و نسبت به هم نسلی ها یا هم دوره ای های خود).

مثال : دانش آموزی که در بین هم کلاسی ها و هم دوره های خود به دانشگاهی معتبر راه یافته است. / فردی که نسبت به خواهر و برادرهای خود، تحصیلات یا شغل خیلی بالاتری دارد. / فردی روستایی که مدیر یک مدرسه یا رئیس یک اداره شده است در حالیکه اغلب هم دوره ای ها و هم نسل های او در روستا مانده و شغل و درآمد ناچیزی دارند.

✓ **تحرك اجتماعى ميان نسلى (Intergenerational):** تحرك اجتماعى فرد نسبت به نسل قبل از خود. به عبارت ديگر تحرك اجتماعى فرد نسبت به پدر و مادرش.

مثال: وقتى فرزند يك راننده تاکسى، استاد داتشکاه مى شود. / وقتى فرزند يك مغازه دار معمولى، يك تاجر سرشناس مى شود.

نکته: تحرك هاى اجتماعى درون نسلى و ميان نسلى مى توانند صعودى / نزولى يا افقى نيز باشند.

فرصت ها و محدوديت هاى تحرك اجتماعى (Opportunity and Limitations of Social Mobility)

فرصت ها و محدوديت هاى تحرك اجتماعى در هر جامعه، بواسطه باورها و ارزش هاى آن جامعه تعيين مى شود.

تأثيرات باورها و ارزش ها بر تغييرات هويتى و تحركات اجتماعى:

- ✓ هر جامعه اى بر اساس باورها و ارزش هاى خود برخى تغييرات هويتى و تحركات اجتماعى را مى پذيرد يا منع مى کند.
- ✓ . هر جامعه اى به تناسب عقايد و ارزش هاى كه دارد، برخى تغييرات هويتى و تحرك هاى اجتماعى را تشويق و برخى ديگر را منع مى کند.
- ✓ . هر جامعه اى به تناسب عقايد و ارزش هاى كه دارد، فرصت هاى تحرك اجتماعى را تعيين مى کند. (به همين دليل است كه در جهان هاى اجتماعى مختلف، فرصت هاى پيش روى افراد براى تحرك اجتماعى و كسب هويت هاى جديد، متفاوت است).

باورها (عقايد) و ارزش هاى اجتماعى ← **تعيين كننده** فرصت ها و محدوديت هاى تحرك اجتماعى

مثال هاىي از تأثيرات تعيين كننده باورها و ارزش هاى اجتماعى بر فرصت ها و محدوديت هاى تحرك اجتماعى

مثال: جامعه اى كه داراى باورها و ارزش هاى نژاد پرستانه است، صرفاً براى يك نژاد خاص، امكان تحرك اجتماعى صعودى را فراهم مى آورد. بعنوان نمونه . در گذشته در كشور آفريقاى جنوبى، فقط سفيد پوستان، امكان تحرك اجتماعى داشتند. / در كشور هند، افرادى كه در كاست (Cassette) نجس ها بدنيا مى آيند، امكان تحرك اجتماعى ندارند.

مثال: در جوامعى كه ثروت و مالكيت ثروت يك ارزش بنيادين است. تحرك اجتماعى صعودى تنها براى كسانى ممكن است كه ثروتمند هستند. مثال: در جوامع فئودالى غربى، موقعيت اجتماعى افراد به رابطه آنها با زمين (به عنوان ثروت) بستگى داشت. لذا امكان تحرك اجتماعى فقط براى اربابان زمين دار يا فئودال ممكن بود و رعايت ها يا كشاورزان چنين امكانى نداشتند.

مثال: در جوامعی که باورها و ارزش‌های آن دنیوی و این‌جهانی هستند. تحرک صعودی فقط برای کسانی ممکن است که سبک زندگی آنها مطابق این باورها و ارزش‌های دنیوی است. چنین جوامعی تحرک اجتماعی را فقط در محدوده همان باورها و ارزش‌های دنیوی و این‌جهانی، به رسمیت می‌شناسند. بعنوان نمونه: در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، زنان مسلمان با حجاب فرصت‌چندانی برای تحصیل و اشتغال ندارند.

مثال: در یک جامعه دینی و معنوی، تحرک اجتماعی تنها برای کسانی ممکن است که سبک زندگی دینی داشته باشند. در اینگونه جوامع هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

مثال: در یک جامعه سنتی روستایی؛ امکان تحرک اجتماعی برای افرادی که مطابق ارزش‌های سنتی روستا، عمل نمی‌کنند، وجود ندارد و برعکس در یک جامعه شهری مدرن، امکان تحرک اجتماعی برای افرادی که مطابق ارزش‌های مدرن شهری رفتار نمی‌کنند؛ عملاً وجود ندارد.

به این روایت توجه کنید: یک جوان تحصیل کرده و شایسته، برای شرکت در رقابت‌های شورای روستا، تمام رفاه و امکانات خود را در شهر رها کرد تا در انتخابات شورای روستا شرکت کرده و از این طریق به روستای زادگاه خود خدمت‌رسانی کند. او که انتظار داشت با توجه به تحصیلات و تجارب درخشان کاری خود. نفر اول شورا انتخاب شود و مردم روستا قدردان او باشند. در کمال ناباوری متوجه شد که نفر آخر انتخابات شده است... او مأیوس و سرخورده، روستا را ترک گفت و از اهالی روستای زادگاه خود رنجید... دلیل عدم موفقیت این جوان را می‌بایست در ارزش‌ها و سنت‌های روستا جست‌وجو کرد. سبک زندگی این جوان تحصیل کرده شهری از جمله نحوه پوشش و گویش و... مطابقتی با آن ارزش‌ها و سنت‌ها نداشته بلکه گاهی هم برخلاف آنها بود. فلذا همان ارزش‌ها و سنت‌های روستایی، امکان تحرک اجتماعی در روستا را به او نداد.

انطباق فرهنگی (cultural Conformity):

هرگاه تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های جامعه شکل گرفته و با هویت جهان اجتماعی، سازگار باشد. انطباق فرهنگی پدید می‌آید. در این وضعیت، تغییرات هویتی افراد و گروه‌های اجتماعی مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. مثال: فردی که با تلاش و پشتکار خود در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق موقعیت اجتماعی خود و جامعه را ارتقاء می‌بخشد. بعنوان نمونه: می‌توان به نوآوری محققان ایرانی در زمینه نانو تکنولوژی یا در حوزه سلول‌های بنیادی (پژوهشگاه رویان) اشاره کرد.

تعارض فرهنگی (Cultural Conflict)

هرگاه تغییرات هویتی افراد، بیرون از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد. به تعارض فرهنگی منجر می‌شود؛ که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد. مثال: فردی که به تولید یا خرید و فروش مشروبات الکلی می‌پردازد/ فردی که به شغل خالکوبی یا Tattoo مشغول است/ پزشکی که بصورت غیرقانونی جراحی سقط جنین انجام می‌دهد و....

عوامل ایجادکننده تعارض فرهنگی:

الف) علل درونی: به نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود. مثال: نوآوری‌های علمی در زمینه‌های غیر مجاز مانند: سقط جنین و... / نوآوری‌های غیرمجاز افراد در زمینه دینداری/ فعالیت‌های مبتنی بر سنت شکنی برخی افراد/ و

ب) علل بیرونی : به تأثیر پذیری از جهان اجتماعی دیگر مربوط می شود. مثال : تقلید جوانان از سبک زندگی جوامع غربی.

نکته پایانی :

تفاوت اسلام با جوامع سرمایه داری در نگرش به مشاغل

اسلام بر اهمیت و تأثیر مشاغل در تربیت اخلاقی و هویت یابی معنوی افراد تأکید می کند اما جوامع سرمایه داری بر اهمیت و تأثیر مشاغل در مالکیت ثروت و ارتقاء موقعیت اجتماعی تأکید می کنند.

توضیح : در جوامع سرمایه داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه های اساسی هویت یابی هستند. به همین دلیل امروزه شغل اهمیت ویژه ای یافته است. اما اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه ها، آثار مخرب یا سازنده این حرفه ها بر تربیت و هویت انسان هاست. اسلام برخی مشاغل را تحسین می کند. مانند زراعت و ... زیرا انسان سازند و برخی مشاغل را مذمت میکند. مانند رباخواری و ... زیرا مخرب انسان اند. برخی مشاغل را نیز حرام نمی داند و مذمت نمی کند اما از مسلمانان می خواهد که تا حد ممکن آن مشاغل را نپذیرند. مانند: دلالی و ... زیرا ممکن است تأثیرات مخرب آن بیش از تأثیرات سازنده اش باشد.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir